

## بررسی ترجمه‌های انگلیسی فعل «أدراک» در قرآن کریم با استفاده از معناشناسی قالبی فیلمور

حمید ورمزیاری<sup>۱</sup>، هوشنگ یزدانی<sup>۲\*</sup>

۱-استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، ایران

۲-استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۶

دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی معادل‌های انگلیسی فعل «أدراک» در تعبیر قرآنی «ما أدراک» با توجه بر معادل‌گزینی مترجمان بر اساس نظریه زبان‌شناسی قالب معنایی فیلمور است. بر این اساس، معادل‌های به‌کار رفته در هفت ترجمه انگلیسی آربری، پیکتال، هلالی و خان، سیل، شاکر، یوسف‌علی و فرایی بررسی و با هم مقایسه شدند. تحلیل نتایج به کمک قالب‌های معنایی فیلمور انجام گرفت و از این رهگذر نوع و میزان کارآمدی مبحث قالب‌های معنایی در تحلیل معادل‌گزینی‌ها نیز آشکار شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مترجمان نه معادل که به هفت قالب معنایی مختلف در شبکه قالب تعلق دارند، استفاده کرده‌اند که از میان آن‌ها با در نظر گرفتن قالب و معنا، سه فعل know (۱۲ بار در ترجمه هلالی و خان و ۴ بار در ترجمه شاکر)، understand (۱۳ بار در ترجمه سیل) و comprehend (۴ بار در ترجمه شاکر) معادل‌های مناسب‌تر به نظر می‌رسند. در مجموع، معادل‌گزینی سیل، هلالی و خان و پس از آن‌ها شاکر را در ترجمه این فعل می‌توان بهتر از سایر مترجمان دانست.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، فعل «أدراک»، ترجمه‌های انگلیسی، قالب معنایی، معادل‌گزینی

## ۱- مقدمه

بررسی ترجمه‌های قرآن کریم با توجه به اهمیت والای این کتاب بی‌نظیر از جنبه‌های مختلف زبانی، سبکی و محتوایی می‌تواند هم به شناخت ابعاد این کتاب آسمانی کمک کند و هم راه را برای شناخت ترجمه‌های کم‌نقص‌تر بگشاید. در عصری که ترجمه‌های متعددی از قرآن کریم به زبان‌های مختلف منتشر شده‌است و شاید صحبت از مجاز بودن یا نبودن ترجمه این کتاب الهی جای خود را به بحث نقد و بررسی کیفیت ترجمه‌ها داده باشد، یکی از ابعاد این نقد، توجه به معادل‌گزینی مترجمان است که خود از زوایا و با رویکردهای مختلف قابل کاوش است.

به دلیل محتوا و کارکردهای متعدد قرآن کریم برای عموم بشر کیفیت معادل‌گزینی در ترجمه آن اهمیتی ویژه دارد؛ چرا که برای مخاطبان این کتاب الهی که از درک مستقیم مفاهیم و معانی آن به دلیل مانع زبانی عاجزند، معادل‌های به‌کار رفته راه را برای درک پیام-های قرآنی و تاثیر از آن‌ها می‌گشایند، یا در مقابل در صورت معادل‌گزینی نادرست، راه را بر فهم صحیح و در نتیجه تاثیرپذیری از مفاهیم می‌بندند. یک دیدگاه پیرامون زبان قرآن کریم ناظر بر این است که ترجمه قرآن باعث پایین‌آوردن کلام آن تا حد کلام بشر و در نتیجه مهجور ماندن قرآن می‌شود (پورعزت و علی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۸). اگر این دیدگاه را مبنا قرار دهیم، شناساندن نقاط قوت و کاستی‌های ترجمه‌های قرآن کریم احتمالاً می‌تواند در عین حال که کاربران را در استفاده از ترجمه‌ها یاری می‌کند، از مهجور ماندن قرآن کریم به دلیل ترغیب به خواندن خود این کتاب آسمانی و نه ترجمه آن بکاهد.

یکی از رویکردهای غالب در نقد معادل‌گزینی‌های قرآن کریم رویکرد زبان‌شناختی است و با توجه به تعدد نظریه‌های زبان‌شناختی، گستره گسترده مفاهیم و اعجاز زبانی قرآن و نیز طیف وسیع ترجمه‌ها می‌تواند شکل‌های مختلف به خود بگیرد. این گونه بررسی‌ها از چند جنبه اهمیت دارند.

در وهله نخست، می‌توانند نوع استنباط و رویکرد مترجمان به قرآن کریم و گزاره‌های آن را آشکار سازند.

ثانیاً می‌توان از زاویه مخاطب و فهم آن‌ها از ترجمه و تاثیر ترجمه بر آن‌ها به معادل‌ها نگریست.

ثالثاً جای تحلیل دارد که آیا مترجمان برای واژه‌ها یا ساختارهای تکرار شده در قرآن-کریم یکنواخت معادل‌گزینی کرده‌اند که این مقوله در حوزه سبک ترجمه جای می‌گیرد و با جنبه اول نیز مرتبط است.

نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور از جمله نظریه‌های زبان‌شناختی است که می‌تواند در فهم دقیق‌تر عملکرد مترجمان قرآن‌کریم موثر واقع شود. بررسی افعال به کمک مفهوم قالب‌های معنایی در این نظریه یکی از ابعاد کاربست آن به حساب می‌آید.

افعال از ارکان اصلی سخن به شمار می‌روند و از اهمیتی ویژه در انتقال مفاهیم و پیام برخوردارند. به تعبیر آلمیدا و مانوئیلیدو (۲۰۱۵: ۳) «افعال ویژگی‌های معنایی اصلی رویدادها و حالات را در جملات منتقل می‌کنند». زبان عربی و عربی قرآن‌کریم نیز از این قاعده مستثنی نیست. افزون بر این، افعال عربی ویژگی‌های خاص خود را نیز دارند نظیر این‌که فعل مضارع می‌تواند به گذشته، حال و آینده دلالت کند (فرزانه، ۱۳۸۳). از این روست که پژوهش‌های مختلفی به بررسی افعال قرآن‌کریم و ترجمه‌های آن‌ها پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: امانی، کریمی و صالحی اوروزکی، ۱۳۹۳؛ محمدفام، عبداللهی عابد و حمزه‌پور معتوقی، ۱۳۹۸؛ حاجی قاسمی و شاملی، ۱۳۹۵). نوشتار حاضر با کمک تمرکز بر جنبه رمزگشایی در تحلیل معنا در معناشناسی قالبی، که در بیان مسئله عنوان خواهد شد، می‌کوشد به تحلیل معادل‌گزینی در ترجمه‌های انگلیسی تعبیر قرآنی «ما أدراک» بپردازد. فعل «أدراک» در قرآن‌کریم همواره در ترکیب با «ما» به صورت استفهامی به کار رفته‌است. این تعبیر تاثیرگذار سیزده بار و در ده سوره از قرآن‌کریم ذکر شده‌است.

## ۱-۱- بیان مسأله

تعبیر قرآنی «ما أدراک» که نقشی استفهامی دارد، در لغت به این معنی است که چه چیز به تو علم داده و تو را آگاه کرده‌است. حدیثی از امام باقر (ع) که «ما أدراک» را مترادف با «ما أعلمک» دانسته‌اند نیز، مؤید این معنا است (قمی، ۱۴۰۴: ۴۲۳). با وجود این، مترجمان اعم از مترجمان فارسی و انگلیسی این تعبیر را به گونه‌های مختلف ترجمه کرده‌اند و برخی اعتقاد دارند معادل‌گزینی فارسی «ما أدراک» به صورت «چه می‌دانی» که معادلی رایج است، مناسب تعبیر «ماتدری» است. طاهرقلی (۱۳۹۰) معتقد است اکثر مفسران قرآن از درک معنای باطنی این عبارت بازمانده‌اند و بدون استفاده از روایات، معنای ظاهری و اطلاق آن در خطاب به پیامبر (ص) را مدنظر قرار داده‌اند. با توجه به اختلاف نظر در معنی و تفسیر تعبیر «ما أدراک»، که در ترجمه‌های فارسی نیز نمود پیدا کرده‌است، بررسی ترجمه‌های انگلیسی این تعبیر قرآنی ضروری می‌نماید تا ضمن مشخص کردن میزان صحت و دقت آن‌ها بتوان تا حدی نوع تلقی مترجمان را نمایاند.

معناشناسی قالبی یکی از رویکردهای زبان‌شناسی شناختی است که بیشتر با نام و نظریه‌های چارلز فیلمور شناخته می‌شود. مفهوم قالب در این رویکرد نقشی اساسی دارد. قالب به ساختاری شناختی اطلاق می‌شود که به طور عمده فرآیند تفسیر اشکال زبانی شامل واژه‌ها یا الگوهای نحوی مرتبط با خود را تعیین می‌کند (فیلمور و بیکر، ۲۰۱۰: ۳۱۴). به عبارت دیگر، قالب ساختاری شناختی است که فهم گوینده از اظهارات زبانی را شکل می‌دهد (فیلمور و بیکر، ۲۰۱۰: ۳۱۷). قالب به منزله بسته‌های سازمند دانش، باورها، و الگوهای کردار که موجب شکل‌گیری تجربیات انسان‌ها و امکان تلقی آن‌ها از آن تجربیات می‌شود، نقش مهمی در درک، به خاطر آوردن و استدلال پیرامون تجربیات ایفا می‌کند (فیلمور و بیکر، ۲۰۱۰: ۳۱۴). قالب مدلی برای ارائه دانش انسانی و دانش پس‌زمینه‌ای<sup>۱</sup> لازم در فهم نحوه ساختاربندی واژگان فراهم می‌کند (سیمون-وندنبرگن و آیجر، ۲۰۰۷: ۱۴). عنوان دیگر دانش پس‌زمینه‌ای دانش دایرةالمعارفی<sup>۲</sup> است (مورفی، ۲۰۱۰: ۳۱) و در دیدگاه معناشناسی

شناختی دانش دایرةالمعارفی در بافت کاربرد<sup>۳</sup> پدیدار می‌شود (کیچکس، ۲۰۱۲: ۱۷۹). به همین دلیل، فیلمور بر نقش موقعیت در تفسیر معنای گفتمان تأکید دارد. او فراگیر بودن کاربرد نقطه‌نظر در گفتمان را اثبات کرده‌است (کرسول، ۲۰۰۴: ۵۶۳).

در بین پژوهش‌های قرآنی انتشار یافته به فارسی و انگلیسی نظریه معناشناسی قالبی تنها در موارد معدودی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌است. از این رو، پژوهش حاضر به کمک این نظریه و با بررسی ترجمه‌های انگلیسی فعل «أدراک» در پی یافتن هر گونه تغییر در نوع استنباط از مضامین آیات بر اثر ترجمه و معادل‌گزینی مترجمان است. از این رهگذر، ۷ ترجمه آرتور جان آربری (۱۹۵۵)، محمد مارمادوک پیکتال (۱۹۳۰)، محمد تقی-الدین هلالی و محمد حسین خان (۱۹۹۵)، جورج سیل (۱۷۳۴)، محمد شاکر (۱۹۹۱)، عبدالله یوسف‌علی (۱۹۳۴) و سید علی‌قلی قرایی (۲۰۰۴) که از ترجمه‌های شناخته‌شده قرآن کریم به زبان انگلیسی به حساب می‌آیند، با استفاده از نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور و با تمرکز بر مفهوم قالب‌های معنایی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. مترجمانی که به بررسی ترجمه‌های آن‌ها پرداختیم، مترجمان مسلمان و غیر مسلمان، انگلیسی زبان و غیر انگلیسی زبان، معاصر و غیر معاصر را شامل می‌شوند.

با توجه به آنچه بیان شد نوشتار حاضر می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. به کمک مفهوم قالب‌های معنایی فیلمور، چگونه می‌توان معادل‌گزینی ترجمه‌های آربری، پیکتال، هلالی و خان، سیل، شاکر، یوسف‌علی و قرایی برای فعل «أدراک» در تعبیر قرآنی «ما أدراک» را توضیح داد؟

۲. از بین ترجمه‌های مورد اشاره، کدام ترجمه(ها) با در نظر گرفتن معنا و قالب‌های معنایی به مطلوب نزدیک‌تر است؟

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

نقد ترجمه‌های قرآن کریم و از جمله ترجمه‌های انگلیسی آن بخش قابل توجهی از پژوهش‌های حوزه ترجمه قرآن کریم را تشکیل می‌دهد و بخش معناداری از این مطالعات با رویکردی زبان‌شناختی انجام گرفته‌اند. با وجود این، برخی از نظریه‌های فیلمور و به طور مشخص مبحث قالب‌های معنایی در شماری اندک از پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به پژوهش حاجی‌قاسمی و شاملی (۱۳۹۵) اشاره کرد که در آن به بررسی قالب‌های معنایی فعل «رأی» را با توجه به ترجمه‌های فارسی قرآن کریم پرداخته‌اند و با تأکید بر لزوم توجه مترجم به تفاوت‌های معنایی واژه‌های انتخابی و شناسایی معنای مرکزی هر واژه، این طور نتیجه‌گیری کردند که در بیشتر موارد بافت زبانی و معنای نسبی این فعل مورد غفلت مترجمان واقع شده‌است. در پژوهشی مشابه که اخیراً منتشر شده‌است، بخشی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی قالب‌های معنایی فعل قرآنی «أبصر» به این نتیجه رسیدند که برخی مترجمان در برخی قالب‌های معنایی این فعل اتفاق نظر دارند اما هیچ یک از مترجمان مورد بررسی به اندازه کافی و در همه موارد به بافت و هم‌نشینی آیات توجه نکرده‌اند. افزون بر آن، بلا (۲۰۱۰) در رساله دکتری خود به موضوع انتخاب واژه‌ها در ترجمه‌های پیکتال، یوسف‌علی، شاکر، سیل و قریب‌الله پرداخته‌است. طبق پژوهش او که در آن شش واژه قرآنی را با تأکید بر اهمیت نظریه معناشناسی قالبی در فرآیند ترجمه بررسی کرده، کیفیت ترجمه یوسف‌علی بهتر از پیکتال است و این دو ترجمه از ترجمه‌های قریب‌الله و سیف و در نهایت هر چهار ترجمه مورد اشاره از ترجمه شاکر کیفیت بهتری دارند. او پیشنهاد می‌کند مترجمان باید نسبت به تفاوت بین فهم در عربی و انگلیسی آگاه باشند و بیش از دانش فرهنگی بر زمینه زبانی تمرکز کنند. همچنین، شرف و آتول (۲۰۰۹) در دانشگاه لیدز در پروژه‌ای در زمینه ایجاد قالب‌های شبکه قالب با تمرکز بر افعال قرآن مشغول فعالیت هستند که دستاورد آن از جمله می‌تواند در تحلیل ظرفیت افعال قرآنی سودمند باشد.

پژوهش‌های دیگری با چارچوب نظری مشابه اما نه در حوزه قرآن کریم انجام شده که از میان آن‌ها می‌توان به بررسی واژه «دیدن» (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴)، بررسی روابط معنایی فعل «گرفتن» (دلارامی فر و همکاران، ۱۳۹۶) و تحلیل معنایی فعل «گفتن» (رحمتی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸) و اشاره کرد. همچنین، در پژوهشی مشابه از نظر کاربست قالب‌های معنایی، اجدادی و رضوی (۱۳۹۷) اندام‌واژه‌های زبان فارسی را بررسی کرده‌اند و به ارتباط بین قالب‌های این واژه‌ها پرداخته‌اند.

با توجه به پیشینه مورد اشاره ضرورت پژوهش حاضر بیش از پیش مشخص می‌گردد چرا که میزان و نحوه کارآمدی مبحث قالب‌های معنایی در بررسی ترجمه‌های قرآن کریم به ندرت در بوته آزمایش گذاشته شده‌است.

در ادامه به پژوهش‌هایی اشاره می‌کنیم که در بررسی خود حداقل به تحلیل یکی از مترجمان مدنظر در پژوهش حاضر پرداخته‌اند تا از این رهگذر دریابیم یافته‌های آن‌ها در مورد کیفیت ترجمه‌ها چه میزان با بررسی ما مطابقت و یا مغایرت دارند. عامری و حسینی (۱۳۹۵) ترجمه آیتی از سوره رعد را در سه ترجمه آربری، شاکر و قرایی کاوش کردند و دریافتند که گرایش به متن مبدأ در ترجمه آربری به سبب توجه نکردن به بطون قرآن کریم، کیفیت آن را تحت تاثیر قرار داده‌است اما ترجمه شاکر در نقطه مقابل قرار ترجمه آربری قرار دارد و به معنی و باطن کلام توجه کرده‌است. ترجمه قرایی نیز روان و نزدیک به زبان امروز است و در عین حال با متن اصلی اختلاف فاحشی ندارد. افزون بر این، خرمی و تائبی (۱۳۹۲) در مقایسه سه ترجمه آربری، شاکر و صفارزاده از سوره اعراف دریافتند که از نظر صحت و دقت بین دو ترجمه آربری و شاکر تفاوت چندانی وجود ندارد.

در پایان این بخش، می‌توان مطالعه شکوری، حاجی‌اکبری و شمشیری (۱۳۹۸) را نام برد که به بررسی معادل‌هایی که ۵۰ مترجم در ترجمه‌های فارسی خود از قرآن کریم برای واژه «عذاب» به کار برده‌اند، پرداخته‌است. یکی از یافته‌های پژوهش مورد اشاره نشان می‌دهد بیشتر مترجمان مورد بررسی به تقلید از یکدیگر و از مترجمان متقدم همین واژه را در

معادل‌گزینی استفاده کرده‌اند. این یافته می‌تواند در مورد معادل‌گزینی سایر واژه‌های قرآنی نیز صدق کند.

## ۲- چارچوب نظری

زبان‌شناسی معناشناختی یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که دارای نظریه‌های مختلف در توصیف و تحلیل زبان با تمرکز بر سطح معنایی زبان است. بخشی از زبان‌شناسی معناشناختی به معناشناسی واژگان اختصاص دارد که از جمله شامل رویکرد معناشناسی ساختاری و معناشناسی شناختی می‌شود. یکی از این نظریه‌های رویکرد شناختی، نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور است که از مفهوم قالب، به منزله آگاهی و دانش پس‌زمینه‌ای افراد در حوزه‌های معنایی گوناگون، در تحلیل شکل‌های زبانی بهره می‌گیرد. در معناشناسی قالبی، «قالب معنایی» جای «حوزه معنایی» را می‌گیرد و این رویکرد معناشناختی امکان ساختارمندی و نظم‌یافتن درک و بیان واقعیت به واسطه زبان را فراهم کرده‌است (سیمون-وندنبرگن و آیچمر، ۲۰۰۷: ۱۳). تمایز بین دو اصطلاح قالب معنایی و حوزه معنایی نشانگر تمایز بین معنای دایرةالمعارفی و معنای بافتی است. در معناشناسی شناختی به دلیل این‌که دانش دایرةالمعارفی خود در برگیرنده دانش زبان‌شناختی و دانش فرازبان‌شناختی است، زبان‌شناسان قائل به تمایز بین دانش قاموسی و دانش دایرةالمعارفی، و در اصل بین معناشناسی و کاربردشناسی، نیستند (کچکیس، ۲۰۱۲: ۱۷۹). ایده مبنایی دانش دایرةالمعارفی این است که فهمیدن معنای یک واژه بدون دسترسی به تمام دانش ضروری مرتبط با آن واژه ممکن نیست (مملیوا و اسپرودونوا، ۲۰۲۰: ۲۴۲).

فیلمور قالب را به صورت تصویری منحصر بفرد و منسجم از یک ادراک، حافظه، تجربه، عمل یا شیء تعریف می‌کند (فیلمور، ۱۹۷۷). به عبارت دیگر، هر قالب ساختاری است که انواع موقعیت، اشیاء یا رویدادها را به همراه نقش ارکان شرکت‌کننده در آنها توصیف می‌-



کند (کوپولا و دیگران، ۲۰۰۹: ۱۲۸). فرض مبنایی معناشناسی قالبی این است که درک معنای واژه‌های محتوایی مستلزم متوسل شدن به قالب‌های پس‌زمینه‌ای است که امکان تفسیر معنی را می‌دهند اگر چه دانش‌های پس‌زمینه‌ای اختصاص یافته به قالب‌ها گاهی، برای نمونه در مورد معنی اسامی روزهای هفته بدون توجه به فرهنگ‌های مختلف یا جهات در قطب‌نما، آنقدر ناخودآگاهند که به خودآگاه تبدیل کردن آن‌ها تلاش ذهنی قابل توجهی می‌طلبد (فیلمور و بیکر، ۲۰۱۰: ۳۱۷-۳۱۸). معناشناسی قالبی در فهمیدن مراد نویسنده/گوینده و دریافت خواننده/شنونده کمک می‌کند (قائم‌نیا، ۱۳۸۶: ۹).

حاصل کار فیلمور و همکارانش در پروژه شبکه قالب (FrameNet) گردآوری و منعکس شده‌است. چند رابطه معنایی در نظم دادن به قالب‌ها در شبکه قالب نقش دارند که آموزنده‌ترین و محدودکننده‌ترین آن‌ها رابطه وراثت<sup>۴</sup> است (والورده-آلباسته، ۲۰۰۵: ۸۰). در رابطه وراثت، یک قالب را می‌توان بسط یک یا چند قالب دیگر در نظر گرفت و ارکان قالب‌های به ارث رسیده از یک قالب مشترک با هم پیوندهایی دارند (فیلمور و بیکر، ۲۰۰۱). برای مثال، قالب تقاضا (REQUEST) فرزند قالب ارتباط (COMMUNICATION) است که خود فرزند دو قالب عمل عامدانه (INTENTIONALLY\_ACT) و موضوع (TOPIC) است (اتکینز و راندل، ۲۰۰۸: ۱۴۶). رابطه معنایی دیگر که در شبکه قالب ارائه شده، کاربرد<sup>۵</sup> است بدین معنی که هر قالب چه قالبی را به کار می‌برد یا در چه قالبی به کار می‌رود. روابط معنایی دیگری نیز در شبکه گنجانده شده‌است اما باید خاطر نشان کرد همه این روابط در مورد تمام قالب‌ها با اطلاعات در شبکه قالب همراه نیستند. مثلاً این که قالب تقاضا (فعالاً) قالب فرزند ندارد (اتکینز و راندل، ۲۰۰۸: ۱۴۶).

یکی دیگر از موارد مهمی که برای هر قالب در پایگاه شبکه قالب ذکر شده، مفهوم مجموعه اصلی (core set) است. مجموعه اصلی «به مجموعه‌ای از ارکان قالب گفته می‌شود که با محدودیت‌های رخداد هم‌زمان با هم مرتبط‌اند. و حداقل پدیدار شدن یکی از آن‌ها برای امکان استفاده از شبکه تداعی‌کننده قالب ضروری است» (والورده-آلباسته، ۲۰۰۵:

۹۰). از این رو مقایسه مجموعه‌های اصلی قالب‌های واحدهای واژگانی، از جمله افعال، می‌تواند نشانگر تفاوت و شباهت کاربردی آن واحدهای واژگانی باشد.

یکی از محدودیت‌های شبکه قالب این است که نسبت به منابعی همچون شبکه واژه<sup>۶</sup> واژگان کمتری (حدود ۸۹۰۰ واژه و ۶۰۰ قالب) در زبان انگلیسی را پوشش داده‌است (بوآس، ۲۰۰۹: ۷۳).

بنابر آنچه بیان گردید و علی‌رغم این که معناشناسی شناختی قائل به تمایز بین معنای قاموسی و معنای دایرةالمعارفی نیست، لازم است در اینجا رویکرد پژوهش حاضر تصریح شود. ممکن است این پرسش در ذهن خوانندگان شکل بگیرد که همچون برخی پژوهش‌های مشابه، پژوهش حاضر نیز به شناسایی قالب‌های فعل قرآنی «آدراک» و مقایسه آن‌ها با واژه‌های معادل در ترجمه پرداخته‌است اما خط سیر این پژوهش ابتدا تحلیل و تفسیر لغوی و اصطلاحی فعل مدنظر با توجه به ریشه، کاربرد و بافت آن و سپس بررسی میزان انعکاس جنبه‌های معنایی حاصل در معادل‌های انگلیسی بوده‌است که در تبیین میزان دقت و تناسب معادل‌گزینی‌ها، از آنجا که تعلق به قالبی مشخص، تلقی مترجمان را منعکس می‌کند، با در نظر گرفتن معنای غالب به دست آمده از تحلیل فعل «آدراک»، تعلق هر معادل به قالبی معین و ارتباط بین این قالب‌ها در شبکه قالب مبنا قرار گرفت و اطلاعات موجود درباره هر قالب در شبکه قالب بخصوص مثال‌ها نیز در مواردی در تعیین اختصاص قالب به کار آمد. همچنین، به منظور شناسایی کامل تر تفاوت‌های احتمالی بین معادل‌ها و میزان جایگزین-پذیری آن‌ها با یکدیگر، معنای قاموسی آن‌ها نیز به اختصار کاویده شد. البته این امر نشان می‌دهد مبحث قالب‌های معنایی فیلمور در عین حال که در امر معادل‌گزینی مترجمان و نقد ترجمه‌ها کارآمد است، از کاستی‌هایی نیز رنج می‌برد.

## ۲-۱- معنا و تفسیر تعبیر «ما أدراک»

فعل أدراک از ریشه "ذَرَى" به معنی معرفت و دانستن است (قرشی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۳۴۳). راغب درایه را معرفت حاصل از تدبیر می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۳). او در «مفردات فی غریب القرآن» در توضیح ماده دری نوشته است: «الدراية المعرفة المدركة بضرب من الختل» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷) به این معنی که آگاهی نسبت به معرفتی قابل درک اما تا حدی و به نوعی پنهان است و کاملاً آشکار نیست. اما برخی معتقدند "ذَرَى" «معرفتی بدون مقدمات معمول است؛ به این معنا که ذَرَى در مواردی به کار می‌رود که معرفت بدون تحصیل حاصل شود و نیازی به تهیه مقدمات ندارد و باید به روشی غیرعادی به دست آید و این تفاوت میان این ماده و ماده علم و معرفت و مانند آن‌هاست» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۲۰۸). پس از بررسی جامع اسلوب «ما أدراک» با رویکردی تاریخی، قطبی و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند که ماده "دری" به معنای «یادگرفتن» و «دانستن» در قرآن کریم به کار رفته و نسبت به ماده "علم" در زبان‌های سامی قدمت دارد و نیز از نظر وجوه و ساختار ادبی با ماده "علم" متفاوت است. پژوهش مورد اشاره حاکی از دلالت ماده "دری" بر مفاهیم تهویل، تفخیم و تعظیم است. در تفسیر المیزان نیز در مورد تعبیر «ما أدراک» بر کنایه بودن آن در اشاره به عظمت، منزلت، اهمیت، شان، هول و هراس‌انگیزی امور مورد اطلاق نظیر «قیامت»، «سِقْرِ»، «یوم‌الدین»، «سَجِّین»، «عقبه»، «شب قدر» و «حطمه» تاکید شده است. مضافاً طبق همین تفسیر، الفاظ زبان بشری نمی‌توانند ویژگی‌هایی که ذکر گردید را آنگونه که هستند بگنجانند و معرفی کنند. زمخشری (۱۴۰۷، ج ۴: ۷۱۷)، در تفسیر آیات ۱۷ و ۱۸ سوره انفطار به فوق تصور بودن امر «یوم‌الدین» و ممکن نبودن درک کنه معرفت آن اشاره کرده است.

نکته دیگر این است که خطاب این تعبیر کنایه هرکسی می‌تواند باشد؛ چرا که علم به حقیقت هر کدام از امور مورد اشاره را از مخاطبان به طور کلی نفی می‌کند. در تفسیر آیه ۳ سوره حاقه در تفسیر المیزان از ابن عباس روایت شده که تعبیر «ما أدراک» در همه جای

قرآن کریم به این معنی است که رسول خدا (ص) آن را درک کرده و کنایه از عظمت آن امر است حال آنکه در تعبیر قرآنی مشابه یعنی «ما یدریک» که تصریح است و هم‌خانواده لفظی «ما أدراک» نیز محسوب می‌شود، آن حضرت هم واقعاً مطلب مورد اشاره را نمی‌دانند. در همین خصوص، اختر می‌نویسد برخلاف «ما یدریک»، همواره پس از «ما أدراک» توضیح آمده است (اختر، ۲۰۱۵: ۱۳۲). در تفسیر مجمع‌البیان نیز ذیل تفسیر آیه مورد اشاره به نقل از ثوری ذکر شده که «بمعلوم ما ادریک گفته میشود و آنچه معلوم نیست در تمام قرآن ما یدریک و البتّه بکسی که آن را میداند ما ادریک گفته برای اینکه آن را بصفت میداند» (طبرسی، ترجمه بهشتی، ۱۳۵۲، ج ۲۵: ۲۵۹). به طور خلاصه، احاط بر امور و پدیده‌های مورد اشاره در جملات با تعبیر «ما أدراک» با عنایت به نهایت عظمت آنها تنها برای رسول خدا (ص) میسر بوده است اما شاید بتوان گفت این احاطه حتی برای آن حضرت هم به شکل کامل نبوده است. نه این امر نقطه‌ضعفی برای وجود آن حضرت تلقی شود بلکه به دلیل تاکید بر عظمت آن امور است که این تعبیر کنایی به کار رفته که در عین حال باعث خوف و خشیت در انسان که مخاطب پیام قرآن است می‌شود. مضاف بر این، باید توجه کرد که فعل «أدري» بیش از یک مفعول دارد و ضمیر "ک" مفعول اول آن (در خطاب به رسول خدا (ص)) و جمله پس از آن مفعول دوم این فعل به حساب می‌آید (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۵۳)؛ امری که در معادل‌گزینی متداول تعبیر «ما أدراک» در زبان فارسی به «چه می‌دانی» مورد غفلت قرار گرفته است.

در جمع‌بندی مولفه‌های معنایی و سبکی تعبیر «ما أدراک» می‌توان به اختصار بیان کرد که معرفت و آگاهی مدنظر علاوه بر کاملاً آشکار نبودن نزد مدرک آن، بر عظمت و هول‌انگیز بودن امور مورد اشاره تأکید دارد. به علاوه، این تعبیر کنایی و اسلوبی ادبی است و نسبت به کلماتی که با ماده "علم" ساخته شده‌اند، قدیمی‌تر است.

### ۳- روش تحقیق

در اجرای پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا همه موارد کاربرد فعل ادراک در قرآن کریم به کمک پایگاه جامع قرآنی (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی) استخراج گردید. پس از آن، در هر مورد، معادل‌های انگلیسی هفت ترجمه مورد بررسی از ترجمه‌های منتخب (در مورد برخی ترجمه‌ها با مراجعه به پایگاه QuranWow.com) استخراج و در جدول ثبت شد. سپس با مقایسه همه معادل‌های به‌کار رفته ابتدا از سوی هر مترجم و سپس در مقایسه با سایر مترجمان نتایج به دست آمد. در تحلیل نتایج، پایگاه واحدهای واژگانی در شبکه قالب برای تعیین قالب هر فعل و مجموعه اصلی آن مورد استناد قرار گرفت. دو بخش از داده‌های موجود در پروژه شبکه قالب عبارت از شاخص قالب و شاخص واحدهای واژگانی است. یعنی هر قالب هم خود قابل جستجو است و هم می‌توان با جستجوی یک واحد واژگانی مفروض، قالب با قالب‌های مرتبط با آن را مشاهده کرد. تصریح این نکته لازم است که چون برخی افعال چندمعنا هستند و بنابراین متعلق به بیش از یک قالب‌اند، با در نظر گرفتن معناشناسی فعل «ادراک» و معنای مرکزی آن، یعنی آگاهی و دانستن، نزدیکترین قالب به منزله قالب مدنظر لحاظ شد یا در مواردی معدود به کمک شباهت تعبیر مترجمان با مثال‌های موجود در پایگاه امر تمیزدادن قالب‌ها صورت گرفت. در پایان، با توجه به معانی و مفاهیمی که برای این فعل از کتب تفسیری استخراج کردیم، نتایج و ارتباط آن‌ها تحلیل گردید. و برای یافتن میزان جایگزین‌پذیری معادل‌های انگلیسی، معانی این افعال در یک فرهنگ لغت معتبر به اختصار کاویده شد. ۱۳ آیه که متعلق به ۱۰ سوره قرآن کریم هستند، و در آن‌ها فعل «ادراک» به‌کار رفته در ادامه و بر طبق ترتیب سوره‌ها در قرآن کریم ذکر شده‌اند.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ (حاقه/۳)

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَعَرٌ﴾ (مدثر/۲۷)

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفُصْلِ﴾ (مرسلات/۱۴)

- ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ (انفطار/۱۷)  
 ﴿ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ (انفطار/۱۸)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ﴾ (مطففین/۸)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ﴾ (مطففین/۱۹)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ﴾ (طارق/۲)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ﴾ (بلد/۱۲)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ (قدر/۲)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ﴾ (قارعه/۳)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا هَيْبَةٌ﴾ (قارعه/۱۰)  
 ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ﴾ (همزه/۵)

#### ۴- نتایج و بحث

جدول ۱ معادل‌های هفت ترجمه بررسی شده، برای تعبیر «ما أدراك» در ۱۳ آیه مدنظر را، ارائه می‌دهد. در هر مورد زیر معادل انگلیسی فعل أدراك خط کشیده شده‌است.

جدول ۱: فهرست معادل‌های به‌کار رفته از سوی هر مترجم برای تعبیر «ما أدراك» در ۱۳ آیه مدنظر

سوره و آیه	ترجمه آریبری	ترجمه پیکتال	ترجمه هلالی و خان	ترجمه سبیل	ترجمه شاکر	ترجمه یوسف علی	ترجمه قرایی
حانه/ ۲	what will teach thee	what will convey unto thee	what will make you know	what shall cause thee to understand	what would make you realize	what will make thee realize	what will show you

what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you	what will show you
what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee	what will explain to thee
what will make you comprehend	what will make you know	what will make you know	what will make you realize	what will make you realize	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you realize	what will make you realize	what will make you realize
what shall make thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand	what shall cause thee to understand
what will make you know	what will make you to know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know	what will make you know
what will convey unto thee	what will tell thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee	what will convey unto thee
what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee	what shall teach thee
۱۲ / بلد	۲ / طارق	۱۹ / مظنین	۸ / مظنین	۱۸ / انفطار	۱۷ / انفطار	۱۴ / مرسلات	۲۷ / مدثر					

what will <u>show</u> you	what will <u>explain</u> to thee	what will make you <u>comprehend</u>	what shall cause thee to <u>understand</u>	what will make you <u>know</u>	what will <u>convey</u> unto thee	what shall <u>teach</u> thee	قدر / ۲
what will <u>show</u> you	what will <u>explain</u> to thee	what will make you <u>comprehend</u>	what shall make thee to <u>understand</u>	what will make you <u>know</u>	what will <u>convey</u> unto thee	what shall <u>teach</u> thee	فارعه / ۳
what will <u>show</u> you	what will <u>explain</u> to thee	what will make you <u>know</u>	what shall make thee to <u>understand</u>	what will make you <u>know</u>	what will <u>convey</u> unto thee	what shall <u>teach</u> thee	فارعه / ۱۰
what will <u>show</u> you	what will <u>explain</u> to thee	what will make you <u>realize</u>	who shall cause thee to <u>understand</u>	what will make you <u>know</u>	what will <u>convey</u> unto thee	what shall <u>teach</u> thee	همزه / ۵

با بررسی جدول ۱ نکات زیر قابل استخراج است:

۱- معادل‌های مترجمان، عمدتاً با هم متفاوتند و نه معادل convey, teach, realize, know, understand, explain, tell و show را در بر می‌گیرند. از مجموع ۹۱ مورد معادل‌گزینی در ترجمه این ۱۳ آیه، فعل know پرتکرارترین است و ۱۶ بار به‌کار رفته است. نگاهی اجمالی به برخی دیگر از ترجمه‌های انگلیسی که در جزء پیکره پژوهش فعلی قرار ندارند همچنین نشان می‌دهد فعل know پرتکرارترین معادل به‌کار رفته در ترجمه فعل «آدراک» است. سبیل نیز از دو ترکیب مشابه cause thee to و make thee to در کنار فعل understand در همه معادل‌گزینی‌های خود استفاده کرده است. چهار معادل convey نیز ۱۲ بار به‌کار رفته است. افعال realize و comprehend هم به ترتیب ۶ و ۴ بار



تکرار شده‌اند و در نهایت فعل tell نیز تنها یک بار در معادل‌گزینی پیکتال برای آیه ۲ سوره طارق به چشم می‌خورد.

۲- بر خلاف معادل فارسی غالب یعنی [تو] چه می‌دانی در معادل‌گزینی این تعبیر قرآنی، مترجمان انگلیسی در معادل‌گزینی ترکیب‌های فعلی نظیر make you know استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد آن‌ها به معنی دقیق تعبیر و چند مفعولی بودن فعل «أدراک» دقت کرده‌اند. برای مثال، شاکر و نیز هلالی و خان همواره سه فعل realize, know و comprehend را در کنار ترکیب make you know به کار برده‌اند.

۳- به جز شاکر که با سه فعل مختلف know, realize و comprehend کار معادل‌گزینی را انجام داده‌است، سایر مترجمان تقریباً پیوستگی در معادل‌گزینی برای فعل «أدراک» را لحاظ کرده‌اند. سه مترجم یعنی آربری، سیل و قرایی به ترتیب از سه معادل teach, understand و show به طور ثابت بهره گرفته‌اند حال آنکه پیکتال در یک مورد با فعل tell معادل‌گزینی انجام داده، هلالی و خان یک بار از معادل explain استفاده کرده‌اند و یوسف‌علی نیز در یک معادل‌گزینی realize را به کار برده‌است.

۴- از نظر کاربرد افعال و جهی در ترکیب انگلیسی معادل «ما أدراک»، از جدول ۱ می‌توان دریافت که فعل و جهی will، ۶۶ بار، فعل و جهی shall، ۲۴ بار و فعل would، تنها یک بار به کار رفته‌است. سیل در تمام معادل‌گزینی‌های خود از shall استفاده کرده که می‌تواند نسبت به دو فعل و جهی دیگر بار ادبی داشته باشد. در مقابل، پیکتال، هلالی و خان، یوسف‌علی و قرایی همواره will را به کار برده‌اند. شاکر نیز به جز یک معادل‌گزینی با would برای آیه سوره حاقه، در بقیه موارد معادل will را به کار برده‌است.

۵- از نظر زمان افعال، همه معادل‌های انگلیسی زمان آینده را نشان می‌دهند حال آنکه فعل «أدراک» مضارع است. با وجود این‌که، این یافته مطابق با یکی از ویژگی‌های فعل مضارع در زبان عربی است که در مقدمه اشاره گردید، استفاده از زمان آینده در معادل‌گزینی

به نوعی از عدم تحقیق میزانی از ادراک در حال حاضر و در عین حال وقوع ادراک در آینده حکایت می‌کند که به نظر نمی‌رسد با تعبیر قرآنی چندان سازگار باشد.

۶- سه فعل know, explain و realize را بیش از یک مترجم و شش فعل دیگر تنها در ترجمه یک مترجم مشخص به کار رفته‌اند. جدول زیر این یافته و میزان کاربرد افعال از سوی هر مترجم را منعکس می‌کند.

جدول ۲: بسامد کاربرد هر فعل از سوی هر مترجم

مترجم	فعل	know	teach	explain	understand	show	convey	realize	comprehend	tell
آریوی			۱۳							
پیکتال							۱۲			۱
هلالی و خان		۱۲		۱						
سیل					۱۳					
شاکر		۴						۵	۴	

		۱				۲			یوسف علی
				۳					قرایی
۱	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	مجموع

۷- همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، آربری، سیل و قرایی تنها یک فعل و در مقابل شاکر سه فعل و سایر مترجمان هرکدام دو فعل مختلف به عنوان معادل فعل «أدراک» به کار برده‌اند. اگر کاربرد بیش از یک فعل به لحاظ معنایی توجیه داشته باشد، یافته مورد اشاره نوعی خلاء سبکی را در کار مترجمان انگلیسی نشان می‌دهد. در غیر این صورت می‌توان گفت مترجمان به دلیلی دیگر از جمله تنوع بخشیدن به واژه‌ها در ترجمه خود به این کار دست زده‌اند. با وجود این، تکرار در متن نقش افزایش آگاهی بخشی و علاقمندی مخاطب را ایفا می‌کند (دو بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱: ۵۷) و تکرار در قرآن کارکردهای مختلفی مانند تاکید، ارباب و احترام دارد و نشانگر تکرار بلاغت آن است (هنونا، ۲۰۱۰: ۸۶). پس می‌توان گفت سه ترجمه آربری، سیل و قرایی از این منظر مطلوب‌ترند. از سوی دیگر، اگر از نقطه نظر نظریه اسکوپس به این روند نگاه کنیم، کار انتخاب واژه‌های مختلف برای واژه یا عبارتی واحد توجیه‌پذیر خواهد بود. طبق این نظریه، ترجمه فاقد سویگی<sup>۷</sup> است؛ یعنی برگشت‌پذیری<sup>۸</sup> از معادل انتخابی به واژه(های) به کار رفته در زبان مبدأ، قائدهای دال بر کیفیت مطلوب ترجمه نیست (عبدالعال، ۲۰۱۹: ۲-۳). همچنین، با توجه به بسامد و صرف-

نظر از صحت، چهار معادل know, teach, explain و understand را می‌توان در پیکره پژوهش حاضر معادل‌های غالب دانست.

#### ۴-۱- بررسی معانی افعال معادل

در این بخش ضروری دانستیم معنای هفت فعل معادل به‌کار رفته را بررسی کنیم تا تفاوت احتمالی آن‌ها با هم بیشتر روشن شود. به عبارت دیگر، این‌که این افعال تا چه میزان می‌توانند به جای هم به‌کار روند. با توجه به پدیده چندمعنایی، معنای مرکزی که تقریباً در همه موارد اولین معنای ذکر شده در فرهنگ بود، برای افعال به‌عنوان مبنای کاربرد آن‌ها در ترجمه‌های مورد بررسی مدنظر قرار گرفت. فرهنگ کالینز (نسخه برخط) برای این بررسی به‌کار رفت.

**Know:** If you know a fact, a piece of information, or an answer, you have it correctly in your mind. Synonyms: have knowledge of, see, understand, recognize

**Teach:** If you teach someone something, you give them instructions so that they know about it or how to do it. Synonyms: show, train, demonstrate

**Explain:** If you explain something, you give details about it or describe it so that it can be understood. Synonyms: make clear or plain, describe, demonstrate, illustrate

**Understand:** If you understand someone or understand what they are saying, you know what they mean.

**Show:** If something shows that a state of affairs exists, it gives information that proves it or makes it clear to people. Synonyms: indicate, demonstrate, prove, reveal

**Convey:** To convey information or feelings means to cause them to be known or understood by someone. Synonyms: communicate, impart, reveal, relate

**Realize:** If you realize that something is true, you become aware of that fact or understand it. Synonyms: become aware of, understand, recognize, appreciate

**Comprehend:** If you cannot comprehend something, you cannot understand it. Synonyms: understand, see, take in, perceive

**Tell:** If you tell someone something, you give them information. Synonyms: inform, notify, make aware, say to

وجه مشترک در تعاریف این افعال دلالت آن‌ها بر دانستن، فهمیدن و آگاهی (یافتن) است. با وجود این، این تداعی را به به‌خصوص در فعل *show* و پس از آن در فعل *tell* به شکلی ضعیف‌تر می‌توان مشاهده کرد. با نگاهی به واژه‌های مترادف نیز می‌توان دریافت برخی از این افعال قرابت معنایی بیشتری به هم دارند. چهار فعل *know*، *understand*، *realize* و *comprehend* از آن جمله‌اند. تعاریف نشان می‌دهند که دانستن (*know*) مقدمه فهمیدن (*understand*) است که خود مقدمه تشخیص دادن (*realize*) و درک کردن (*comprehend*) است. جالب این‌که این افعال در ترجمه‌های مورد بررسی همواره در ترکیب کلی *make/cause sb verb* و در غالب موارد در سه ترجمه هلالی و خان، سیل و شاکر به کار رفته‌اند. سه فعل *know*، *understand* و *comprehend* طبق یافته‌های مندرج در بخش بعد به قالب معنایی واحدی تعلق دارند. اما تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد. اگر چه *understand* و *comprehend* مترادف‌اند و می‌توانند به جای هم به کار روند، *comprehend* به طور ضمنی از فهمی جامع حکایت می‌کند. همچنین، در حالی که *know* ذهنی است و به واسطه تجربه، آموزش و مهارت به دست می‌آید، *understand* روانشناختی است، در مغز اتفاق می‌افتد، عمیق‌تر است، زمان می‌برد و نیاز به تفکر و کاربرد مفاهیم دارد. حال پرسش این است که با توجه به توضیحاتی که پیرامون معنا و تفسیر «ما أدراک» ذکر شد، کدامیک از این سه معادل دقیق‌تر است. از آنجا که عدم امکان درک کامل حقیقت هر کدام از مفاهیم مورد اشاره در آیات، مراد از کاربرد «ما أدراک» است و نیز با توجه به جمع‌بندی نکات تفسیری و معنایی این تعبیر و فعل «أدراک»، هیچ یک از معادل‌های انگلیسی به کار رفته نمی‌توانند جامع مولفه‌های معنایی، زمان فعل، بار ضمنی و کاربرد ادبی و بنابراین بسیار دقیق باشند.

#### ۴-۲- بررسی قالب‌های افعال معادل

بر مبنای داده‌های پایگاه اینترنتی واحدهای واژگانی در شبکه قالب، ۹ فعلی که مترجمان برای ترجمه فعل «آدراک» به کار برده‌اند، به هفت قالب مختلف به شرح زیر تعلق دارند و آن‌ها را تداعی می‌کنند.

جدول ۳: نحوه تعلق افعال به قالب‌ها

قالب	فعل	مجموعه اصلی
AWARENESS	Know	Content, Topic
	Comprehend	Content, Topic
	Understand	Content, Topic
STATEMENT	Explain	Message, Topic
BECOMING_AWARE	Tell	Phenomenon, Topic
EDUCATION_TEACHING	Teach	Percept, Role
COMMUNICATION	Convey	Message, Topic
COMING_TO_BELIEVE	Realize	Content, Topic
CAUSE_TO_PERCEIVE	Show	Actor, Agent, Entity, Medium

سه فعل know, understand و comprehend که سیل، هلالی و خان و شاکر، ۳۳ بار در معادل‌گزینی آن‌ها را به کار برده‌اند با توجه به معنای فعل «آدراک» که به علم و آگاهی اشاره دارد و تعلق به قالب AWARENESS معادل‌های صحیح و مناسب‌تر به نظر می‌رسند. در مقابل، دو معادل teach و show که به ترتیب معادل‌های انتخابی آربری و قرایی بوده‌اند، کمترین شباهت را با سایر معادل‌ها دارند. علاوه بر این، چهار معادل غالب که در بالا اشاره شد، به سه قالب مختلف تعلق دارند. در بین معادل‌های غالب، دو معادل explain و convey از نظر ارکان قالب یکسان‌اند اما یک رکن مشابه با معادل know یعنی Topic نیز دارند.

آنچه بر مبنای نظریه قالب‌های معنایی شایان ذکر است این است که حتی علی‌رغم این‌که معادل‌ها ممکن است معنای نزدیک به هم داشته باشند، موقعیت‌های متفاوتی را در ذهن خواننده تداعی می‌کنند که احتمالاً حاصل تصور ذهنی مترجم است.

#### ۴-۲-۱- ارتباط معنایی بین قالب‌ها

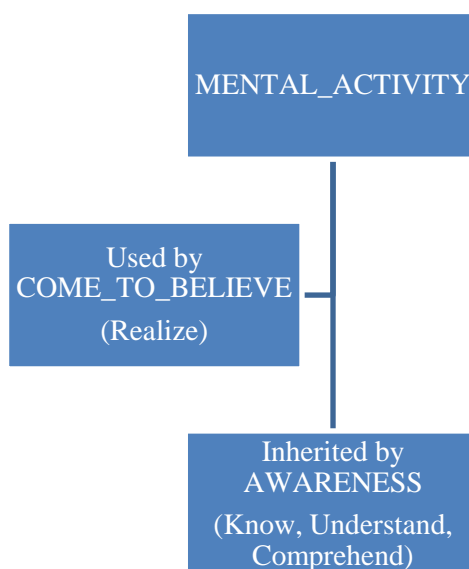
همان‌طور که در چارچوب نظری این نوشتار عنوان شد، یکی از امکانات مهم پروژه شبکه قالب ارائه روابط معنایی بین قالب‌ها از طریق مفاهیم وراثت و کاربرد است. به همین دلیل، روابط بین قالب‌های افعال در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت که حاصل این بررسی سه یافته زیر است که به ترتیب اهمیت ذکر می‌شوند:

۱- قالب AWARENESS که قالب معنایی سه فعل comprehend, know و understand است رابطه وراثتی از نوع فرزندی با قالب MENTAL\_ACTIVITY (فعالیت ذهنی) دارد که این قالب اخیر از سوی قالب فعل realize یعنی COME\_TO\_BELIEVE به‌کار می‌رود و به این دلیل رابطه کاربردی با آن دارد. از این ارتباطات می‌توان نتیجه گرفت که پیامد و کاربرد سه فعل قالب AWARENESS، تشخیص است و مترجمانی که از فعل realize در معادل‌گزینی استفاده کرده‌اند (یعنی شاکر و یوسف‌علی) بیش از هر چیز به کاربرد و نتیجه عمل «ادراک» توجه کرده‌اند.

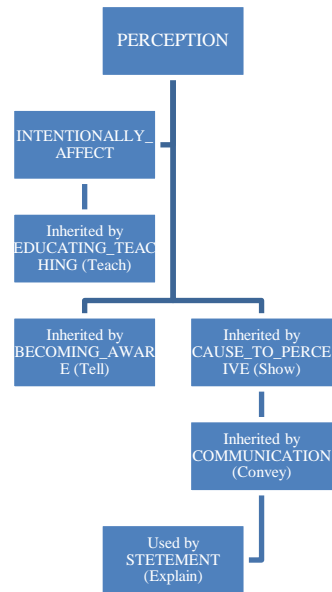
۲- قالب‌هایی که دو فعل teach و show به آن‌ها متعلق‌اند، یک قالب مادر مشترک یعنی تاثیر عامدانه (INTENTIONALLY\_AFFECT) دارند و به نظر می‌رسد انتخاب مترجمان حاکی از توجه آن‌ها به بُعد تاثیر باشد. از طرف دیگر، یک فرزند همین قالب، قالب ارتباط (COMMUNICATION) است که از سوی قالب فعل explain یعنی STATEMENT که با قالب فعل tell مشترک است به‌کار می‌رود و با هم ارتباط کاربردی دارند.

۳- قالب فعل show قالب مادر فعل convey است. یعنی بین این دو معادل نیز ارتباط وجود دارد.

بدین ترتیب، به کمک این ویژگی شبکه قالب می‌توان بین تمام افعال معادل نوعی ارتباط را مشاهده کرد با این‌که بر اساس مجموع استدلال‌های ارائه شده، سه معادل know, comprehend و understand بر سایر معادل‌ها رجحان دارند. دو نمودار زیر در درک بهتر ارتباط وراثتی و کاربردی بین قالب‌ها و در نتیجه ارتباط بین معادل‌ها مفید خواهند بود:







اما در پاسخ به پرسش‌های پژوهش، باید گفت که:

**اولاً** مترجمان معادل‌های مختلفی برای ترجمه فعل «أدراک» در تعبیر «ما أدراک» برگزیده‌اند و علی‌رغم تکرار و ثبات مقصود از کاربرد این اسلوب ادبی در آیات قرآنی، به جز آربری، سیل و قرایی بقیه مترجمان بیش از یک معادل برای آن به کار برده‌اند.

**ثانیاً** مفهوم قالب‌های معنایی در شناسایی معادل‌های دقیق‌تر و ارتباط معنایی و کاربردی بین معادل‌ها کارآمد نشان داد. با وجود این، در مورد افعال چندمعنا شناسایی قالب مدنظر نیازمند توجه به معنای مرکزی فعل است. معادل‌های متعلق به قالب AWARENESS از نظر معنا و کاربرد در موقعیت با توجه به کاربرد «ما أدراک» در قرآن کریم از بقیه معادل‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسند.

**ثالثاً** معادل‌گزینی سیل، سپس هلالی و خان و بعد از آن‌ها شاکر در مقایسه با سایر مترجمان از دقت بیشتری برخوردار است. همچنین، آربری و قرایی با نگاه به تاثیر عمل «أدراک» دست به معادل‌گزینی زده‌اند. شاکر با انتخاب realize در برخی از معادل‌گزینی‌های

خود که از معادل‌گزینی غیریکنواخت‌تر او نیز حکایت می‌کند، بر حاصل عمل «آدراک» که تشخیص است تمرکز کرده‌است.

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با یافته پژوهش عامری و حسینی (۱۳۹۵) مبنی بر عدم کیفیت ترجمه آربری همسو است اما با یافته پژوهش خرمی و تائبی (۱۳۹۲) از این نظر متفاوت است که می‌توان گفت شاکر دست‌کم در برخی موارد در ترجمه فعل آدراک معادل‌گزینی بهتری از آربری داشته است.

## ۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با هدف ارزیابی معادل‌گزینی در ترجمه قرآن کریم، هفت ترجمه انگلیسی فعل قرآنی «آدراک» در تعبیر کنایی «ما آدراک» به کمک نظریه معناشناسی قالبی فیلمور مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که:

- ۱- مترجمان معادل‌های مختلفی برای فعل مذکور به‌کار برده‌اند.
- ۲- علی‌رغم ثبات و تکرار این فعل و تعبیر کنایی در آیات قرآن کریم، برخی مترجمان بیش از یک معادل برای آن به‌کار برده‌اند اما به جز شاکر سایر مترجمان یک معادل غالب را مدنظر داشته‌اند.
- ۳- از منظر قالب‌های معنایی این واقعیت که نه فعل معادل به‌کار رفته به هفت قالب متفاوت تعلق دارند، نشان می‌دهد معادل‌گزینی مترجمان حاکی از تصورات ذهنی مختلف آن‌هاست. با توجه به ریشه و معنی فعل «آدراک»، تفاسیر تعبیر «ما آدراک» و با بررسی انجام‌شده بر روی افعال انگلیسی معادل از زاویه نظریه قالب‌های معنایی، برخی معادل‌های به‌کار رفته چندان مناسب نیستند هر چند نوعی ارتباط معنایی بین تمام معادل‌ها وجود دارد.
- ۴- در مجموع، از میان نه معادل به‌کار رفته، افعال *know*، *understand* و *comprehend* که در ترجمه‌های هلالی و خان، سیل و شاکر مشاهده می‌شوند، معادل‌های

دقیق‌تر و در مقابل دو فعل *show* و *teach* که آبروی و قرایی آن‌ها را به کار برده‌اند، حاکی از تمرکز مترجمان بر بُعد تاثیر عمل «أدراک» و نه خود آن در معادل‌گزینی است.

۵- یکی از دستاوردهای پژوهش حاضر، که شاید نقطه شروعی برای پژوهش بیشتر در این زمینه و با رویکرد به کار گرفته شده به حساب آید، این است که توجه مترجمان به مبحث قالب‌های معنایی و شبکه‌های قالب در زبان‌های مختلف با وجود محدودیت‌های احتمالی، بخصوص در امر ترجمه متونی حساس نظیر قرآن کریم، آن‌ها را به سمت معادل-گزینی دقیق‌تر هدایت خواهد کرد اما دقت و تامل در معانی و تفاسیر واژه‌ها و عبارات قرآنی نیز همواره ضروری است ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾.

#### ۶- پی‌نوشت

- 1- background knowledge
- 2- encyclopedic knowledge
- 3- context of use
- 4- inheritance
- 5- use
- 6- WordNet
- 7- directionality
- 8- reversibility

#### ۷- منابع

\* قرآن کریم

- ۱- اجدادی، مزگان، رضوی، محمدرضا، «بررسی واژه‌های معنایی اندام‌های بیرونی زبان فارسی»، *زبان‌پژوهی*، شماره ۲۹، صص ۲۷-۴۴، (۱۳۹۷ش).
- ۲- امانی، رضا، کریمی، شیدا، صالحی اوروزکی، سیده زهره، «ترجمه معناشناختی عناصر فعلی-اسمی در قرآن»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۲، صص ۱-۲۳، (۱۳۹۳ش).

بررسی ترجمه‌های انگلیسی فعل «أدراك» در قرآن کریم ... حمید ورمزیاری و هوشنگ یزدانی

۳- بخشی، مریم، اسلامی، محمدرضا، حسرت اومویی، میلان، پاشایی، محمد، «قالب‌های معنایی فعل "أبصر" در قرآن کریم و بررسی ترجمه آن‌ها بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۱۷، صص ۶۵-۸۶، (۱۳۹۹ش).

۴- پورعزت، علی‌اصغر، علی‌پور، میثم، تدبیر فرازمانی در قرآن کریم: کاربست سیستم برنامه‌ریزی سلولی عصرمدار، تهران: انتشارات میدانچی، (۱۳۹۵ش).

۵- درویش، محیی‌الدین، إعراب القرآن و بیانه، ج ۱۰، حمص: دار الإرشاد للشئون الجامعية، (۱۴۱۵ق).

۶- دلارامی‌فر، منصوره، یوسفیان، پاکزاد، اله‌بخش، محمد، آهنگر، عباسعلی، «روابط معنایی فعل "گرفتن" در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور ۱۹۹۷»، پژوهش‌های زبانی، شماره ۱۴، صص ۷۹-۹۸، (۱۳۹۶ش).

۷- حاجی‌قاسمی، فرزانه، شاملی، نصراله، «قالب‌های معنایی فعل "رأی" در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی (بر پایه نظریه معناشناسی قالبی چارلز فیلمور)»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۶، صص ۵۷-۸۳، (۱۳۹۵ش).

۸- خرمی، مرتضی، تائبی، سیده‌ام‌البین، «مقایسه سه ترجمه انگلیسی قرآن "شاکر، آربری، صفارزاده" از سوره اعراف (مطالعه موردی ۱۵ آیه)»، پژوهش دینی، شماره ۲۶، صص ۱-۲۲، (۱۳۹۲ش).

۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ قرآن، بیروت: درالقلم، (۱۴۱۲ق).  
۱۰- -----، المفردات فی غریب القرآن، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تیبان، (۱۳۸۷ش).

۱۱- رحمتی‌نژاد، لایلا، عاصی، سیدمصطفی، قلی‌فامیان، علی‌رضا، قیومی، مسعود، «تحلیل معنایی فعل "گفتن" در چارچوب نظریه معناشناسی قالبی: یک بررسی پیکره‌بنیاد»، جستارهای زبانی، شماره ۵۲، صص ۵۵-۸۹، (۱۳۹۸ش).

۱۲- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).

- ۱۳- شکوری، محبتی، حاجی اکبری، فاطمه، شمشیری، رحیمه، «بررسی برابرنهادهای واژه "عذاب" در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۱۲، صص ۱۳۳-۱۶۴، (۱۳۹۸ش).
- ۱۴- طاهرقلی، مهناز، بررسی تفسیر و تاویلی ما أدراک از دیدگاه قرآن و روایات معصومین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، (۱۳۹۰ش).
- ۱۵- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی، تهران: فراهانی، برگرفته از پایگاه مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، (۱۳۵۲ش).
- ۱۷- عامری، خدیجه، حسینی، زینب‌السادات، «بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن آربری، شاکر و قرایی از آیات منتخب سوره رعد»، *پژوهشنامه زبان و تفسیر قرآن*، شماره ۸، صص ۷-۲۴، (۱۳۹۵ش).
- ۱۸- فرزانه، سید بابک، «ترجمه فعلهای مضارع در قرآن»، *مقالات و بررسیها*، شماره ۷۶، صص ۱۰۳-۱۱۵، (۱۳۸۳ش).
- ۱۹- قائمی‌نیا، علیرضا، «زبان‌شناسی شناختی و مطالعات قرآنی»، *ذهن*، شماره ۳۰، صص ۳-۲۶، (۱۳۸۶ش).
- ۲۰- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامی، (۱۳۵۴ش).
- ۲۱- قطبی، زهرا، اخوان مقدم، زهره، رضایی مقدم، محمد، اخوان طبسی، محمدحسین، «بازشناسی اسلوب بیانی "ما أدراک" در قرآن با کاربرد زبان‌شناسی تاریخی»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۵، صص ۲۵۳-۲۷۶، (۱۳۹۸ش).
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، تحقیق موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، (۱۴۰۴ق).

۲۳- محمدفام، سجاد، عبداللہی عابد، صمد، حمزه پور معتوقی، ناصر، «برابرانگاری‌های ناشی از تسامح مترجمان فارسی قرآن کریم (بررسی موردی تسامح در تشخیص ریشه و ساخت صرفی)»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۱۱، صص ۱۶۷-۱۹۶، (۱۳۹۸ش).

۲۴- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۶۰ش).

۲۵- موسوی، سید حمزه، عموزاده، محمد، رضایی، والی، «بررسی واژه "دیدن" براساس معناشناسی قالبی»، *جستارهای زبانی*، شماره ۷، صص ۲۱۹-۲۳۶، (۱۳۹۴ش).

26- Abdelaal, N. M. Faithfulness in the translation of the Holy Quran: Revisiting the skopos theory. *Sage Open*, 9(3), 1-14. doi:10.1177/2158244019873013. (2019).

27- Akhtar, S. *Dictionary of Quran*. English translation of Lughat-ul-Quran by Ghulam Ahmad Parwez. Oslo: Quranic Education Society. (2015).

28- Almeida, R. G. de, & Manouilidou, C. The study of verbs in cognitive science. In Almeida, R. G. de & C. Manouilidou (Eds.), *Cognitive Science Perspectives on Verb Representation and Processing* (pp. 3-39). New York, NY: Springer International Publishing. doi:10.1007/978-3-319-10112-5\_1. (2015).

29- Arberry, A. J. *The Koran Interpreted*. London: George Allen & Unwin. (1955).

30- Atkins, S., & Rundell, M. *The Oxford Guide to Practical Lexicography*. Oxford: Oxford University Press. (2008).

31- Balla, A. A. S. *Wrong Lexical Choice in English Translations of the Holy Qur'an in Relation to Frame Semantics* (Doctoral Thesis, Sudan University of Science and Technology, Khartoum, Sudan). (2010).

32- Beaugrande, R.-A. de, & Dressler, W. *Introduction to Text Linguistics*. London: Longman. (1981).

33- Boas, H. C. Semantic frames as interlingual representations for multilingual lexical databases. In Boas, H. C. (Ed.). *Multilingual FrameNets in computational lexicography: Methods and applications* (pp. 59-100). Berlin: Mouton de Gruyter. (2009).

34- Coppola, B., Gangemi, A., Glozzo, A., Picca, D., & Presutti, V. Frame detection over the semantic web. In L. Aroyo, P. Traverso, F. Ciravegna, P. Cimiano, T. Heath, E. Hyvönen, R. Mizoguchi, E. Oren, M. Sabou, & E. Simperl (Eds.). *The Semantic Web: Research and Applications: 6th European SemanticWeb Conference, ESWC 2009 Heraklion, Crete, Greece, May 31-June 4, 2009 Proceedings* (pp. 126-142). Berlin: Springer-Verlag. (2009).

35- Cresswell, M. J. Prepositions and points of view. In S. Devis & B. S. Gillon (Eds.), *Semantics: A Reader* (pp. 563-592). Oxford: Oxford University Press. (2004).

36- Fillmore, C. J. Topics in Lexical Semantics. In R. W. Cole (Ed.), *Current Issues in Linguistic Theory* (pp. 76-138). Bloomington: Indiana University Press. (1977).

- 37- Fillmore, C. J., & Baker, C. F. Frame semantics for text understanding. In Proceedings of NAACL WordNet and Other Lexical Resources Workshop, Pittsburgh, June. (2001).
- 38- Fillmore, C. J., & Baker, C. F. A frames approach to semantic analysis. In B. Heine & H. Narrog (Eds.), *The Oxford Handbook of Linguistic Analysis* (pp. 313–339). Oxford: Oxford University Press. (2010).
- 39- Hannouna, Y. H. Assessment of Translating Recurrence in Selected Texts from the Qur'an. *trans-kom* 3(1), 85–113. (2010).
- 40- Kecskes, I. Encyclopaedic knowledge and cultural models. In H-J. Schmid (Ed.), *Cognitive Pragmatics* (pp. 175–198). De Gruyter Mouton. (2012).
- 41- Mamleeva, A. F., & Spiridonova, N. S. Teaching translation of phraseological units: Problem solving approach (pp. 240–249). In Z. Anikina (Ed.), *Integrating Engineering Education and Humanities for Global Intercultural Perspectives: Proceedings of the Conference "Integrating Engineering Education and Humanities for Global Intercultural Perspectives"*, 25-27 March 2020, St. Petersburg, Russia. Cham: Springer Nature. (2020).
- 42- Murphy, L. M. *Lexical Meaning*. Cambridge: Cambridge University Press. (2010).
- 43- Qarai, A. Q. *THE QUR'ĀN With a Phrase-by-Phrase English Translation*. London: Islamic College for Advance Studies Press. (2004).
- 44- Sale, G. *The Koran: Commonly Called the AlKoran of Mohammed*. New York: W. Allison Co. (1734).
- 45- Sharaf, A-B., & Atwell, E. Knowledge representation of the Quran through frame semantics: A corpus-based approach. In *Proceedings of the Fifth Corpus Linguistics Conference. The Fifth Corpus Linguistics Conference, 20-23 July 2009, Liverpool, UK: University of Liverpool*. (2009).
- 46- Simon-Vandenberg, A-M., & Aijmer, K. *The Semantic Field of Modal Certainty: A Corpus-based Study of English Adverbs*. Berlin: Mouton de Gruyter. (2007).
- 47- Valverde-Albacete, F. J. Explaining the structure of FrameNet with concept lattices. In J. G. Carbonell & J. Siekmann (Eds.), *Formal Concept Analysis: Third International Conference, ICFA 2005 Lens, France, February 14-18, 2005 Proceedings* (pp. 79–94). Berlin: Springer. (2005).
- 48- Yusuf Ali, A. *The Holy Qur'an: Translation and Commentary*. Jeddah: Dar Al-Qiblah. (1934).

وبگاه‌های اینترنتی:

<https://quran.inoor.ir/>

<https://www.quranwow.com/>

<https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal/luIndex>

<https://www.collinsdictionary.com/>

<https://quran.anhar.ir/>

<http://www.quranpuyan.com/Default.aspx?g=posts&t=4010&>